**«منشآت» جامی**

**نویسنده : ذکاوتی قراگزلو، علی رضا**

نامه‏ها و منشآت جامی. به کوشش عصام‏الدین ارون‏بایف و اسرار رحمانوف. میراث مکتوب. 1378.

نامه‏هایی که از بزرگان مانده است به جهات مختلف قابل ملاحظه می‏باشد؛ حداقل این است که نقاط تاریک زندگی آن شخص را روشن می‏نماید، گذشته از اینکه شامل بعضی رسوم و آداب و اطلاعات تاریخی و فواید زبانی و حتی نکات علمی است.

جامی که نویسنده‏ای عارف‏مسلک و شاعری ظریف و دانشمندی جامع‏الاطراف و انسانی خوش‏نیت و غمخوار دیگران

بوده، چهره انساندوست خود را در «منشآت» نشان می‏دهد و نظر به اینکه میان بزرگان معاصرش از شاه و وزیر و امیر آبرومند و صاحب نفوذ بوده، تا آنجا که می‏توانسته برای گشودن گره از کار درماندگان قلم می‏زده و قدم برمی‏داشته است.

این نامه‏ها از جهت ایجاز و زیبایی انشاء نیز جالب و جاذب است. یک رشته از نامه‏ها درخواست برای تعیین شهریه یا کمک خرجی از اوقاف و غیره برای طلاب غریب است، نمونه: «بعد از عرض نیاز معروض آنکه خدمت مولانا شیخ محمّد و مولانا سعید مردم فقیر و غریب‏اند و به نیت تحصیل آمده‏اند و از جهت معاش احتیاج تمام دارند اگر چنانچه عنایت نموده وجهی شود که ایشان را سد جوعی از اوقاف میسر گردد بسیار در محل می‏نماید. توفیق رفیق باد» (ص 162) و نیز رک. صفحات 106 و 165 و 174.

درباره دانشمندان نیز جامی سفارشنامه‏هایی نوشته است (نامه‏های 25 و 196 و 334).

جامی فقط درباره موارد خصوصی و فردی سفارش نکرده بلکه طبق گفته مرشدش عبیداللّه‏ نقشبندی از منافع عمومی دفاع می‏نماید: «غم مسلمین خوردن در این وقت که کسی را غم ایشان نیست بهترین اعمال می‏نماید» (ص 313). نمونه‏اش نامه‏ای است که به یکی از نزدیکان شاه نوشته که به نظر شاه رسانیده شود. نکات اجتماعی مهمی در این نامه هست: «فصلی چند نوشته می‏شود اگر مصلحت وقت باشد به عرض همایون برسانند شاید که فکری به حال مسلمانان کنند. اول آنکه جماعت رنود و اوباش از پیاده‏رو و یتیم و غیرهم استیلاء تمام یافته‏اند و در این مدت خونهای متعدد واقع شده است و هیچ کس نپرسیده است ... دیگر آنکه آوازه به اطراف رفته است که کسی من‏بعد متعرض حال تجار نمی‏شود. بعضی از ایشان جسته جسته بدین جانب متوجه می‏شوند اما بعضی از عوانان و ظالمان به واسطت بعضی دلالان ... به هر نوع که توانند ورای تمغا چیزی می‏ستانند و تجار را از آمدن پشیمان می‏سازند. دیگر آنکه ... القصه هیچ کس را فکر حال مسلمانان نیست و همه در مقام تحصیل نفع خویش‏اند. والسلام» (ص 98-97).

جنگی واقع شده بوده است و صحبت صلح در میان آمده، جامی این جهت را تقویت می‏نماید: «قضیه صلح ... امید است که عنقریب به وقوع پیوندد، مصلحت جمیع مسلمانان از هر دو جانب در آن است» (ص 106). جنگ باعث می‏شد که حواله‏ها بر کشاورزان فزونی یابد تا آنجا که کشاورزی از بین برود: «حال رعایای شهر و بلوکات به واسطه حوالاتی که نسبت به ایشان واقع می‏شود به مقام اضطرار رسیده است و نزدیک است که سلسله زراعت و سایر احوال ایشان از انتظام بیفتد» (ص 21). خود حضور سربازان مایه بینوایی مردم است (ص 140). جامی نه تنها از ولایت جام و هرات بلکه از سایر قسمتها هم اطلاع داشته، که نوشته: «از احوال هرات خبر داده بودم اکنون بخشهای دیگر هم تحت فشار قرار گرفته» (ص 111-110).

جامی از وزیر فاضل و عارف، امیرعلیشیر، درخواست کرده که در دربار سلطان‏حسین بایقرا باشد و به داد مظلومان برسد (ص 20).

کتاب دارای مقدمه سودمندی است و فهرستی از مصطلحات دیوانی آن عصر را نیز دارد. خوانندگان را به ملاحظه اصل کتاب توصیه می‏کنیم و توفیق «نشر میراث مکتوب» را خواهانیم.

ع.ذ.ق